

نگاهی به موضوع شبیه سازی انسان به کمک تکنولوژی جدید

○ محمدعلی تسخیری

چکیده

نویسنده در آغاز مقاله به ذکر سیزده مقدمه کوتاه می پردازد که بیشتر آنها بازگو کننده فضای باز و انعطاف پذیر شریعت اسلام در قبال دستاوردهای نوین تکنولوژی در زمینه تولید مثل است، البته مادامی که سبب تضعیف یا تخریب حیات فردی و جمعی انسان نشود. سپس بعد از بیان کوتاهی از فن آوری شبیه سازی در قالب سنتی و جدید آن به طرح اجمالی دلایل موافقان و مخالفان شبیه سازی می پردازد. آنگاه در مقام پاسخ به مخالفان بر می آید و بعد از تشریح دو دلیل مهم آنان یعنی اختلاط انساب و تغییر خلقت خداوند به پاسخ از آنها و دیگر دلایل ایشان می پردازد. در نهایت بعد از تقویت دلایل موافقان و ترجیح دیدگاه آنان از داوری قطعی خودداری می کند.

کلید واژگان: شبیه سازی، تلقیح مصنوعی، تولید مثل، ازدواج، اختلاط انساب.

منظور از شبیه سازی انسانی تولید نسخه ای مطابق اصل از انسان، بدون نیاز به تلقیح سلولهای جنسی مذکر و مؤنث است. شبیه سازی حیوانی و نباتی نیز همین گونه است. ابتدا نکاتی کلی را تقدیم می داریم و سپس وارد بحث شبیه سازی و حکم شرعی آن می شویم.

۱. بررسی برخی نکات کلی که شایسته است محقق در این گونه موضوعات مورد توجه قرار دهد:

نکته اول: ما معتقدیم که هر پیشرفتی که صورت می‌گیرد و هر حقیقتی که کشف می‌شود در چارچوب عظمت الهی بوده و استفاده از آن به معنای استفاده از قوانین الهی است و نقض یا تغییری در خلقت خداوند نیست. آنچه در شریعت مورد نهی واقع شده، هرگونه بازیچه قرار دادن نیروهای فطری است - که به آن اشاره خواهیم کرد - یا دست کاری در خلقت به منظور شعبده بازی یا سحر و فریب دیگران و یا هدر دادن ثروتی طبیعی است که خداوند به انسان بخشیده است.

نکته دوم: وضع انسان نسبت به سایر موجودات، بسیار متفاوت است و این به سبب خصوصیتی است که او را ممتاز کرده و محور مخلوقات قرار داده و آنچه را در آسمانها و زمین است مسخر او کرده است. لذا طبیعت پیرامون انسان نیز به اعتبار مصلحت انسان و نیازهای حیاتی او مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در بحث ما توجه اصلی به شبیه سازی انسان از طریق فن آوری است و به فرایند شبیه سازی در دیگر جانداران نمی‌پردازیم.

نکته سوم: شریعت، «اصالة الاباحه» را مقرر داشته است. این قاعده هرگونه تصرف انسان را مباح می‌داند مگر اینکه حرمت و منع آن ثابت شود. پس نمی‌توان هیچ چیزی را بدون دلیل حرام شمرد، همان گونه که تجویز چیزی که دلیلی بر حرمتش اقامه شده ممکن نیست.

نکته چهارم: نمی‌توان در برابر بحثهای علمی ایستاد و آنها را ممنوع کرد، خصوصاً چنین بحثهای تأثیر گذاری که بر دنیای ناشناخته‌ای پرتو افکننده و در صدد کشف پیچیدگیها و مجهولات آن هستند. پس قبل از صدور هر حکم کلی لازم است که تأمل کنیم و حالاتی را که خواه ناخواه با آنها مواجه خواهیم شد محاسبه کنیم.

نکته پنجم: هر حادثه نو ظهور، خصوصاً اگر مربوط به مسأله‌ای حیاتی باشد که مجرای حیات بشری را تغییر می‌دهد، ناگزیر فضاهاى عاطفی را بر می‌انگیزد و افکار را در فرضیه‌ها و گمانهایی غرق می‌کند که بعضی از آنها جالب و برخی دهشتناکند و هر کدام از آنها طرفداران و موافقانی دارد. در چنین فضایی چه بسا محقق نتواند موضوع را بی طرفانه

بررسی کند، بلکه ناخود آگاه به این گروه یا آن گروه متمایل می شود. بنابراین دست یابی به نظریه ای اجتماعی یا علمی و یا فقهی در این مرحله بعید است.

نکته ششم: گاهی به فرضیه هایی بر می خوریم که نتیجه تخیلات داستانی است، این فرضیه ها بر سلامت تحقیق اثر منفی می گذراند. برخی از فرضیه ها در این مساله بر محور اجتناب از انواع سوء استفاده ها به وجود آمده است، امری که فقها و متدینین را به منظور جلوگیری از هر بهانه ای به تحریم مطلق این موضوعات وامی دارد. پیش از این در مقاله دیگری به موضوع تلقیح مصنوعی پرداختیم، در آن بحث نیز فرضیه های مختلفی مطرح شد، سپس فقها واقعیت را پذیرفتند و حالات مختلف آن را جداگانه و به دور از غوغای فرضیات بررسی کردند. البته به نظر ما هنوز بحث آن کامل نشده است.

نکته هفتم: روش صحیح در این گونه مسایل، ابتدا، بررسی خود موضوع و امکان تطبیق عناوین محلله یا محرمه بر آن است، سپس تلاش در جهت شناختن نتایج و عوارض ناشی از آن. گاهی نتایج خوب و بد به هم آمیخته می شوند که در این صورت باید حالات غالب را در نظر گرفت.

نکته هشتم: باید اعتراف کرد که تنها متخصصین علوم طبیعی حق دارند از آثار علمی مخرب یا سازنده این موضوع سخن بگویند و ما نمی توانیم قبل از پایان یافتن بحثهای ایشان در این باره اظهار نظر کنیم. هنگامی که آنان به نتایجی، هر چند شبه قطعی دست یافتند، ما می توانیم در باره سازگاری این آثار با اعتقادات و ارزشها و مبادی اسلامی و نظریات سیاسی و اجتماعی و برنامه های زندگی، نظر بدهیم. بنابراین تا زمانی که نتایج علمی، قطعی نشده اند، تعجیل در بیان حکم شایسته نیست.

نکته نهم: اسلام خانواده را زیر بنای اجتماع می داند و بدین سبب، نظریه اجتماعی خود و احکام متنوعش را براساس این هدف بنا می گذارد و شدیداً در مقابل هر گونه تخریب خانواده می ایستد. بنابراین در نظر گرفتن این حقیقت هنگام اتخاذ هرگونه دیدگاه اجتماعی، ضروری است.

نکته دهم: عملیات تلقیح مصنوعی با استفاده از فن آوری علمی در این بحث ما

نمی‌گنجد. در تلقیح مصنوعی، فن آوری به رفع موانع یا آماده سازی شرایط لازم برای جریان روند طبیعی تولید مثل می‌پردازد، بنابراین در حالتی کاملاً جایز است مانند تلقیح مصنوعی بین نطفه زن و شوهر و در حالتی جواز آن مورد اختلاف است.

بدون شک عدم باروری نوعی بیماری است؛ زیرا نقصی در حالت طبیعی تولید مثل است، لذا هر گونه استفاده از فن آوری در این مسیر مطلوب خواهد بود. اما محدوده آن، اجتناب از محرمات شرعی در کاربرد این فن آوری است و هنگامی که به حد ضرورت رسید محظورات به اندازه ضرورت، جایز می‌شوند.

به نظر می‌رسد هر گونه استفاده‌ای از این قبیل آثار منفی بر روابط اصلی بین زن و شوهر و فرزندان آنها ندارد. همچنین ممنوعیت آزمایش ژنتیک قبل از باروری و اثر گذاری بر نوع صفاتی که در فرزندان تکوین خواهد یافت، هیچ توجیه شرعی ندارد، خصوصاً اینکه هدف از این کار، تقویت بنیه فرزندان و محافظت آنها در مقابل بیماریها و اشباع میل مشروع والدین باشد، البته به شرط آنکه با احتمال ضررهایی که تأثیراتی منفی بر حیاتشان دارد، همراه نباشد.

برخی گفته‌اند: عملیات پاکسازی ژنتیکی و انتخاب جنین، نوعی تبعیض است. ما دلیل مقبولی برای این سخن نمی‌بینیم، بلکه گاهی پاکسازی ژنتیکی به منظور حفظ سلامت جنین واجب می‌شود، اگر ثابت شود جنین مبتلا به بیماریهای خطرناکی است. در این صورت اگر امکان اصلاح جنین وجود نداشته و زندگی جنین یا مادر در خطر باشد، سقط جنین جایز خواهد بود، خصوصاً اگر جنین در مراحل اولیه حیات باشد. در هر صورت قانون «تراحم» بین اهم و مهم تکلیف این گونه حالات را معین می‌کند.

نکته یازدهم: پاکسازی مورد بحث برای تکمیل توانایی‌های طفل است، از این رو کاملاً با کرامت طبیعی و حقوق انسان سازگاری دارد.

لذا از آن رو که به کارگیری تکنولوژی ژنتیک منجر به رشد نیروها و فزونی امکانات انسان، می‌شود، هیچ قاعده فلسفی در این مورد وجود ندارد که ما را نگران حصول تبعیض اجتماعی کند. نباید این مسئله را با استعمال مخدرهای نشاط آور ممنوع که آثار خطرناکی بر حیات انسان دارد، قیاس کرد.

نکته دوازدهم: هرگونه تصرف طبیعی در هندسه ژنها که برای تقویت آنها صورت گیرد، نمی تواند برحالت فطری که شخصیت انسان را تعیین می کند وانگیزه ها و قدرت اراده و تحلیل عقلی و حرکت او به سوی کمال را محقق می سازد، تاثیر بگذارد. بله، لازم است که از تصرفات منفی خطرناک که در انسان خوی درندگی و توحش را زنده می کند و نیروی عقل و اراده اش را زایل می کند، به شدت بپرهیزیم.

نکته سیزدهم: آیا شبیه سازی از طریق فن آوری منجر به ایجاد شکاف بین فعالیت جنسی و تولید مثل طبیعی می شود؟ آثار آن بر خانواده و کودک چیست؟

به کارگیری فن آوری تولید مثل اگر در چارچوب روابط زوجین باشد، با هر وسیله و روشی انجام گیرد - حتی با رشد نطفه در ظروف آزمایشگاهی، هیچ مشکلی ایجاد نمی شود. به کارگیری این روش ها و وسایل از نقش فعالیت جنسی بین زن و شوهر نمی کاهد و بر رابطه خانوادگی - اگر با رضایت کامل زوجین باشد - هیچ تاثیر منفی ندارد. اسلام با احکام متنوعش، سعی در جهت دهی فعالیت جنسی صحیح به منظور تشکیل خانواده ای صالح دارد و با هر گونه انحراف فعالیت جنسی در مسیری دیگر، مبارزه می کند و برای آن مجازاتهای شدیدی وضع کرده است.

اما اگر از چارچوب روابط زن و شوهر فراتر رویم، قضیه شبیه سازی ابعاد دیگری پیدا می کند، برخی آن را تایید و برخی با آن مخالفت کرده اند و هر کدام دلایلی دارند. لذا لازم است با کمی تفصیل به این موضوع پردازیم.

۲. نگاهی به شبیه سازی و حکم شرعی آن

شبیه سازی چیست؟

دانشمندان^۱ شبیه سازی را به انواعی تقسیم می کنند، از جمله سنتی و جدید.

شبیه سازی سنتی یعنی تولید نسخه هایی مطابق با اصل از گیاه یا حیوان، بدون نیاز به تلقیح سلولهای جنسی مذکر و مؤنث. این کار با داخل کردن هسته هر سلول از سلولهای

۱. به مقاله دکتر حسان تحتوت در این موضوع رجوع شود.

بدن - مثلاً سلول پوستی - به تخمک بالغ پس از تخلیه آن از هسته اش، انجام می شود. هسته جدید شروع به تقسیم شدن می کند، البته نه برای به وجود آوردن سلولهای پوستی، بلکه - با تاثیر از مایع سلولی سیتوپلاسم - شروع به ساختن جنینی می کند که نسخه ای مطابق با اصل، از شخصی است که سلول را از او گرفته ایم.

شبیه سازی جدید بر این اساس است که به منظور جلوگیری از تقسیم شدن طبیعی سلولهای جنسی از پاره شدن دیواره ضخیم سلولی آنها جلوگیری می کند. در حالت طبیعی، اسپرم مذکر - که حامل نصف کروموزومهای سلول جنسی است - تخمک بالغ را - که حامل نصف دیگر کروموزومهاست - می شکافد و وارد آن می شود. سلول جدیدی که از ترکیبات این دو حاصل می شود، حاوی چهل و شش کروموزوم است و پس از ترکیب شروع به تکثیر می کند.

دانشمندان در عمل شبیه سازی جدید از تخریب دیواره سلول جدیدی که از ترکیب اسپرم و تخمک ایجاد شده است جلوگیری می کنند، در این حال هسته این سلول به دو بخش تقسیم می شود و هر بخش، خود را هسته مادر می پندارد و رشد خود را برای تبدیل به جنین شدن آغاز می کند. بدین ترتیب جنینهای متعددی به وجود می آید که کاملاً مشابه هم هستند.

این شبیه سازی به هر دو شکل سنتی و جدیدش بی نیاز از تلقیح اسپرم مذکر و تخمک مؤنث و لو در مراحل اولیه نیست. این تلقیح در شکل جدید، واضح است، اما در شکل سنتی بدین صورت است که هسته گرفته شده از پوست مثلاً نتیجه تکثیر سلولی می باشد که پیش تر تلقیح شده است. این تخمک که خود محصول وصلت است تبدیل به حیوان می شود، ولی این حیوان عقیم و معلول باقی خواهد ماند.

این موضوع، هیاهویی در جهان برانگیخته است و دانشمندان علوم طبیعی و جامعه شناسان و فقها به دو دسته موافقان و مخالفان آن تقسیم شدند:

نظر موافقان:

موافقان شبیه سازی بر دو نکته اساسی تاکید دارند: نخست آنکه دلیلی بر منع این کار

وجود ندارد، دوم آثار مثبت بزرگی که این کار می تواند داشته باشد و افقهای علمی ای که در برابر انسان می گشاید، از جمله:

الف) دانشمندان از این طریق اطلاعات مهمی در زمینه تمایز سلولها، شناخت ریشه امراض سرطانی، آثار منفی وراثت، عوامل مصونیت از بیماری، علل سقط جنین، وسایل جلوگیری از بارداری و... به دست خواهند آورد.

ب) امکان باروری زوجهای عقیم.

ج) کمک به سلامت نسل آینده، و بهینه سازی حیات آنان.

د) مشارکت در استفاده از صفات ممتاز افراد و افزایش آنها.

ه) کمک به موفقیت تحقیقات با اجرای آنها بر روی انسانهای کاملاً مشابه، به منظور اطمینان از سلامت نتایج تحقیقات.

موافقان می گویند: شبیه سازی، عملی طبیعی است که در برخی حیوانات به صورت طبیعی انجام می گیرد. آنان تأکید می کنند که علم از آن همگان است و توقف تحقیقات علمی و محروم کردن بشریت از نتایج آن امری غیر ممکن است.

در اینجا در تصور جامعه ای بدون بیماری، مستحکم، حاوی نسل های معرفتی گسترده و... اغراق شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نظر مخالفان:

مخالفان نیز در بیان پیامدهای زیانبار این عمل، بسیار خیال پردازی کرده بلکه در خیال پردازی از موافقان پیشی گرفته اند. از جمله گفته اند:

الف) این عمل مستلزم اختلاط انساب است.

ب) تغییر در خلقت خداوند است.

ج) دخالت در خلقت خداوند است.

د) منجر به بی نیازی از ازدواج می شود.

ه) احتمال منهدم شدن جوامع و جدا شدن انسان از انسانیت خود.

و) استمرار بشریت منوط به تنوع ژن است؛ که این تنوع در خلال این روش نابود می شود.

ز) تشویق به سقط جنین است.

ح) رغبت طبیعی فرزندان را به رغبت در صفاتی معین دگرگون می کند.

ط) مشکلات ارث پیچیده و سؤالات آن بی نهایت می شود، در حالی که در شریعت از فساد موارث نهی شده است.^۲

ی) احتمال سوء استفاده مجرمان حرفه ای از این روش.

و ضررهای دیگری که مخالفان فرض کرده اند و در اینجا نمی توانیم همه آنها را بر شماریم.

ارزیابی اولیه این اتهامات:

با ارزیابی این اتهامات، وضع آرای موافقان نیز روشن می گردد. با نگاهی گذرا به این اتهامات، در می یابیم که یارای مقاومت در مقابل نقد را ندارند. از این رو لازم است در آنها تجدید نظر شده و به استناد آنها موضع منفی قاطعی در برابر شبیه سازی اتخاذ نگردد. مسأله اختلاط انساب چیزی است که بعضی روایات به آن اشاره و از آن نهی کرده اند، بلکه ساختار اجتماعی در نظر اسلام مبتنی بر این مسأله است و در پرتو همین انساب، نظامهای اجتماعی مهم: مانند نظام خانواده، نظام ارث و برخی نظامهای اجتماعی دیگر شکل می گیرد.

در روایتی، محمد بن سنان از امام رضا(ع) نقل می کند که در جواب سؤالاتش مرقوم فرموده است:

و حرم الله الزنا لما فيه من الفساد من قتل النفس و ذهاب الانساب؛^۳

خداوند زنا را برای فسادی که در آن است از قتل نفس و از بین رفتن انساب حرام کرد.

در کتاب احتجاج شیخ طبرسی آمده است که: زندقی به امام صادق(ع) عرض کرد:

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۳۴، باب ۱ از ابواب نکاح حرام، ح ۱۵.

۳. همان.

لم حرم الله الزنا؟ قال: لما فيه من الفساد وذهاب الموارث وانقطاع الانساب،
لا تعلم المرأة في الزنا من أجلها ولا المولود يعلم من أبوه؛^۴

چرا خداوند زنا را حرام کرد؟ فرمود: برای فسادی که در آن است و از بین رفتن
مواریث و گسستن نسبها. در زنا، زن نمی داند چه کسی او را باردار کرده و
فرزند نمی داند، پدرش کیست.

هر دو حدیث این نکته - اختلاط انساب و از بین رفتن آن - را مد نظر داشته اند و گویی
از اموری است که حرمت آن قطعی است؛ پس محدود به زنا نمی شود و حرمت آن به هر
چیزی که این حالت از آن به دست می آید، عمومیت دارد.

پاسخ موافقان شبیه سازی به این اشکال را می توان به طور خلاصه چنین بیان کرد:
اولاً: اگر هسته - میهمان - مثلاً از پوست زوج و تخمک از زوجه گرفته شده باشد،
می توان درستی نسب را تضمین کرد و شکی نیست که مولود فرزند این دو است. واضح
است که با فراهم بودن این شرایط، می توان به نتایج مثبت فراوانی دست یافت.

ثانیاً: این حالت، پدیده اجتماعی گسترده ای را ایجاد نمی کند، بلکه - حداقل در زمان
حاضر - موارد اندکی است. در این صورت وجود افرادی که نسبشان معلوم نیست، یا فقط به
مادر نسبت داده می شوند، مانعی ندارد و مستلزم اختلاط انساب - آن گونه که گفته شده -
نیست، بلکه مستلزم مجهول بودن نسب است که موضوعاً از احکام نسب خارج است.

ثالثاً: احتمال سوء استفاده در موضوع تلقیح مصنوعی هم مطرح است و حال آن که
تقریباً همه فقها آن را جایز دانسته اند.

ما نمی خواهیم این اشکالات را تأیید کنیم، بلکه تأکید ما بر آن است که از ممنوع
تراشی بی جهت بپرهیزیم -

اما موضوع تغییر در خلقت خداوند: آیه شریفه از قول شیطان بیان می کند:

... قال لا اتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً و لأضلتهم و لأمنيتهم و لا مرتهم فليبتكن

آذان الانعام و لا مرتهم فليغيرن خلق الله و من يتخذ الشيطان ولياً من دون الله فقد

خسر خسراً مبیناً؛^۵

از بندگان تو، سهم معینی خواهم گرفت و آنها را گمراه می‌کنم؛ و به آرزوها سرگرم می‌سازم؛ و به آنان فرمان می‌دهم که گوش چهارپایان را بشکافند، و به آنان فرمان می‌دهم آفرینش خدایی را تغییر دهند و هرکس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است.

شیطان رانده شده تهدید کرده است که گروهی از بندگان خدا را مسخر اعمال شیطانیش می‌کند؛ از آن جمله، شکافتن گوش چهارپایان و تغییر خلقت خداوند است. این کارها بی شک اموری مبغوض خداوند هستند و بنابراین خداوند آن‌ها را از موارد خسران مبین شمرده است. آیا شبیه سازی، از مصادیق تغییر در خلقت خداوند است که از آن نهی شده است؟ گفته می‌شود که مراد از «شکافتن» و «تغییر»، در این آیه، مطلق مفهوم لغوی آنها نیست و اگر این اعمال به انگیزه‌های شرعی و عقلایی نه شیطانی انجام بگیرد مشمول آیه نخواهد بود، و الا هر تغییری در بدن مثل تراشیدن مو یا ختنه، یا نشانه گذاشتن گوشهای شتر یا آرایش کردن، از محرمات خواهد بود. بطلان این حکم واضح است. تعمیم حکم تغییر در خلقت خداوند، شامل هرگونه تغییری در طبیعت می‌شود. آیا از آن منع می‌کنیم؟ هرگز، بنابراین عموم، مراد نیست، بلکه مراد آیه، اعمال شیطانی و خرافی مبتنی بر تصوراتی شیطانی و جاهلانه است که نتیجه آن از بین رفتن ثروتهای طبیعی است مانند آنچه که در این آیه آمده است:

ما جعل الله من بحيرة و لاسائبة و لاوصيلة و لاحام؛^۶

خداوند هیچ حکمی در باره «بحیره»^۷ و «سائبه»^۸ و «وصیله»^۹ و «حام»^{۱۰} قرار نداده است.

۵. نساء، آیه ۱۱۸-۱۱۹.

۶. مائده، آیه ۱۰۳.

۷. شتر ماده چند شکم زاینده‌ای که گوش او را بریده باشند.

۸. شتر ماده‌ای که نذر بت‌ها شده باشد.

۹. میشی که دو قلوی نر و ماده زاینده باشد.

۱۰. شتر نری که ده نتاج از او به عمل آمده باشد.

علامه طباطبایی در المیزان می فرماید: «رسم عرب جاهلیت این بود که گوش بعضی از احشام را مانند شتری که چند شکم زاییده باشد یا شتری که نذر بت شده بود، به منظور حرام کردن گوشتشان می شکافتند»^{۱۱}. وی تأکید می کند: بعید نیست، مراد از تغییر خلقت خداوند خروج از حکم فطرت و ترك دین حنیف باشد با استشهاد به این کلام الهی که:

فَاقم وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ
الدِّينُ الْقَيِّمُ؛^{۱۲}

پس با دل پاک روی خود را متوجه دین کن. این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده؛ دگرگونی در آفرینش الهی نیست؛ این است آیین استوار.

شاید سیاق آیات با این معنا سازگار باشد و روایتی که از امام باقر (ع) در مجمع البیان^{۱۳} ذیل تفسیر این آیه آمده است همین معنا را تأیید می کند. لذا نمی توان برای رد هرگونه تغییر طبیعی، به این آیه استناد کرد، چرا که مراد قسمی خاص از تغییر است که با وسوسه و تجویز شیطان صورت می گیرد.

شبهه سازی در واقع استفاده از قوانین طبیعی است که خداوند در طبیعت مقرر فرموده است، ممکن نیست که دخالت در خلقت خداوند. آن گونه که در اتهامات مخالفین آمده. باشد، یا تحدی با خدا در خلقتش باشد آن گونه که برخی از مخالفان شبهه سازی ادعا کرده اند و الا باید باب هرگونه ابداع علمی در علم وراثت را در همه زمینه های خلقت مسدود کنیم.

در برابر این اشکال که شبهه سازی موجب بی نیازی از ازدواج می شود، باید گفت: اگر فرض کنیم شبهه سازی تا این حد آسان و فراگیر شود. که بعید است. اولاً انگیزه های ازدواج محدود به تولید مثل نیست، ثانیاً تولید مثل قبل از هر چیزی از طریق ازدواج، مطلوب انسان است و جز در موارد استثنایی به این گونه روشها پناه نمی برد.

احتمال انهدام جوامع انسانی، یا جدا شدن انسان از انسانیت خرد، مسأله ای است که

۱۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۸۴.

۱۲. روم، آیه ۳۰.

۱۳. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۷۳.

دلیلی بر آن نیست، بلکه با عمل شبیه سازی، امکان نجات برخی از تیره های رو به انقراض، یا خانواده ها از بیماریهای وراثتی و تقویت صفات خوب وجود دارد.

مسئله از میان رفتن تنوع ژنی نیز چنین است. مطابقت کامل ژنها در موجوداتی که با شبیه سازی به وجود می آیند به گونه ای که هیچ تنوع و تفاوتی میان آنها نباشد، ثابت نشده است. علاوه بر این، اختلاف محیطها و عوامل خارجی قطعاً منجر به نوعی اختلاف ژنها می شوند. یکی دیگر از پیامدهای زیانبار شبیه سازی، تشویق به سقط جنین ذکر شده است. حکم سقط جنین در قانون و شریعت کاملاً بیان شده است. رغبت طبیعی انسان به فرزند خود ماندگار است، چرا که از عمق فطرت انسان سرچشمه می گیرد.

مسائل شرعی ارث و نظر و روابط اجتماعی انسانهایی که با عمل شبیه سازی به وجود آمده اند، اموری است که باید فقه اسلامی دیدگاه خود را نسبت به آنها بیان کند، نه با بستن در و محروم کردن علم انسانی از نتایج آشکار این تحقیقات، خود را از پیامدهای آن رها کند. در پایان مسئله بد اجرا کردن این کشف و سوء استفاده از آن باقی ماند. این امر به دست انسان است، او می تواند از طریق اخلاق اجتماعی محکم و روح پاک انسانیت از سوء استفاده از این عمل اجتناب کند. ما نمی توانیم دری را بر خیر ببندیم به دلیل اینکه کسانی از آن در سوء استفاده می کنند. علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بر می گردیم به ادله موافقان. ادله ایشان، قوی و محکم و در خور تأمل و بررسی است، خصوصاً آنچه گفتند که علم برای همگان است و نمی توان بشریت را به مجرد احتمالات و گمانه زنی هایی که در مقابل آن ظنون و احتمالات مثبت و مقبولی وجود دارد، از ثمرات علم محروم کرد. بله، باید که این روش های کشف علمی از آنچه مخالف شریعت است و معمولاً در مانند این بحثها پیش می آید، دور باشند.

ما در اینجا در صدد آن نیستیم که حکمی قاطع در این مساله صادر کنیم، بلکه بر ضرورت عدم تسریع در حکم، تأکید داریم، تا این مساله از صفحات روزنامه ها به مراکز علمی انتقال یابد و از فضاهاى حماسی و عاطفی و جنجالى رها شده و به بحث علمی وارسته ای تبدیل شود.